

ارتقاء کیفی منظر شهر تهران در تلاقی خیابان و فضای عمومی

به سوی منظر فرهنگی در شهر؟

چکیده | منظر شهری در تعریف علمی رایج، کیفیتی است که در رابطه‌ای رفت و برگشتی بین مخاطب و کالبد شهر پدید می‌آید. مؤلفه‌های کالبدی تولید این کیفیت، همه عناصری هستند که در شهر حضور دارند. خیابان و فضای عمومی از جمله این مؤلفه‌ها هستند که نسبت به سایرین، نقش پررنگ‌تری در ادراک مخاطب دارند. از دلایل این ویژگی، کمیت و رخ دادهای اجتماعی است که در آنها به وقوع می‌پیوندد. جدا از تأثیر جداگانه هر یک از این دو مؤلفه بر شهر، فضاهایی وجود دارد که کالبد آن حاصل اجتماع خیابان و فضای عمومی است؛ این فضای جدید دارای منظری ارتقاء یافته است که از همپوشانی کیفیت‌های خیابان و فضای عمومی نزد مخاطب حاصل می‌شود. چنین منظری می‌تواند دارای شناسه‌های منظر فرهنگی باشد.

خیابان «ولیعصر» از خیابان‌های تاریخی تهران است که قدمت آن به زمان قاجار باز می‌گردد، این خیابان در زمان پهلوی اول تکمیل شد و در دوره پهلوی دوم نقش مؤثری در سازمان فضایی شهر تهران یافت. پس از انقلاب اسلامی، توجه صرفاً کالبدی مدیریت شهری به این خیابان نتوانست از نقش اصلی آن در سازمان فضایی بکاهد؛ چرا که طولانی‌ترین خیابان تهران در برخی نقاط دارای شناسه‌هایی است که در گذشت زمان با انطباق فعالیت‌های ارگانیک فضاهای عمومی و معماری خیابان، به ارزش آن افزوده می‌شود. این نوشتار به دنبال آن است که منظر خیابان ولیعصر تهران را در نقاط تلاقی آن با فضاهای عمومی تحلیل و تحولات آن را ارزیابی کند.

واژگان کلیدی | خیابان، فضای جمعی، فضای عمومی، منظر فرهنگی، ولیعصر.

تصویر ۲: نقطه قوت چهارراه ولیعصر به واسطه وجود تناثر شهر و پارک دانشجو، فضای آن است و نه کالبد آن چرا که امکان تعامل اجتماعی را فراهم می‌آورد، تهران، مأخذ: آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۸۹.

Pic2: Valiasr Crossroad owes its strengths to the City Theatre and Daneshjou Park rather to its body since the theatre and the park provide social interaction, Tehran, Iran, Source: Archive of NAZAR research centre, 2010.

تصویر ۲
Pic2



مریم‌السادات منصور،
پژوهشگر دکتری معماری
منظر، دانشگاه پاریس
غرب، فرانسه

maryamansouri@gmail.com



محمد آتشین‌بار،
پژوهشگر پست‌دکتری
منظر شهر اسلامی، مدرسه
کاربردی مطالعات عالی
پاریس، فرانسه

babak.atashinbar@gmail.com

"دارایی‌های فرهنگی و نمایاننده آثار مرکب انسان و طبیعت" (UNESCO, 1972) و "تحولات جوامع در زمان"، یعنی تحول هم‌زمان یک بستر طبیعی و یک گروه اجتماعی خاص (UNESCO, 2008) بر پایه این تعریف، در ۲۰۰۹ تعداد ۶۶ منظر فرهنگی^۲ شامل باغ، نظرگاه، جاده و کوه به ثبت یونسکو درآمد. پس از آن، «پی‌یر دونادیو» نظریه‌پرداز منظر در مدرسه عالی منظر و رسای (فرانسه) تعریف جامعی از منظر فرهنگی ارائه کرد: "واقعیتی فیزیکی برآمده از نمودهای انسانی که در بستر فرهنگ و سازمان اجتماعی به خصوص و در زمانی خاص، اشکال مادی ادراک‌شونده توسط ساکنان و مشاهده‌کنندگان را به آن منسوب کرده‌اند" (Donadieu, 2009). در نگاه وی، جوهر منظر فرهنگی ادراک مخاطب به عنوان یک گروه اجتماعی خاص از فضا در ظرف زمانی خاصی است. دونادیو معتقد است علاوه بر بسترهای طبیعی، سایت‌های شهری^۳ نیز می‌توانند از جمله منظرهای فرهنگی قلمداد شوند. با تأمل در این تعریف جامع می‌توان دریافت منظر فرهنگی گونه‌ای از منظرهای "صفت‌دار" مانند منظر شهری، منظر طبیعی، ساحلی و روستایی نیست، بلکه حالتی است که هر یک از این منظرها در شرایط ویژه‌ای ممکن است به آن ارتقاء پیدا کنند. هنگامی که در خصوص منظرهای صفت‌دار (منظر شهری شده = منظر شهری، منظر ساحلی شده = منظر ساحلی) صحبت می‌کنیم، منظور بستر اولیه‌ای است که منظر در آن پدیدار می‌شود. اما منظر فرهنگی حاکی از کیفیتی است که در شرایط ویژه به منظرهای صفت‌دار افزوده می‌شود که برخلاف مؤلفه‌های مادی منظر شهری، مؤلفه‌های آن، رابطه (ادراک مخاطب) و تاریخ (بستر اجتماعی خاص در یک ظرف زمانی) اند. افزون بر این، آن "واقعیت" (Ibid) منتج از ادراکات انسانی طی تاریخ. که همان منظر فرهنگی است. حامل شناسه‌های سه‌گانه انسان‌شناسانه، زمانی و مکانی است؛ یعنی نماد یک قوم در زمان و مکان است.

از سوی دیگر، نتیجه پرداختن علوم سیاسی و علوم اجتماعی به مفهوم فضای عمومی موجب تولد مفهوم جدیدی شده است: "فضای جمعی"^۴ (Jolé, 2002: 20). «مارک اوژه» در کتاب نامکان‌ها، نقطه مقابل نامکان را مکان انسان‌شناختی^۵ قلمداد کرده است و برای آن سه خصوصیت قابل می‌شود:

- ۱- هویت مندی: مکان‌های یادمانی (Augé, 1992: 78) یا مرکزیت‌های مشخص گروهی از انسان‌ها (Ibid: 74)
- ۲- رابطه‌ای: که در سه شکل فضایی خلاصه می‌شود: اول مسیر. راه. محور، دوم میدان‌گاه‌ها. تقاطع‌های منتج از دسته اول و سوم مرکزیت‌های مونومانتال یا اعتقادی (Ibid)

فرهنگی در خیابان ولیعصر از طریق پرسشنامه محدود ۳. استنتاج: تحلیل شناسه‌های منظر فرهنگی در خیابان ولیعصر

فرضیه | در نقاطی شاخص از خیابان ولیعصر، با تلاقی خیابان و فضای عمومی، قلمرویی دارای ارزشی افزوده پدید می‌آید که دارای شناسه‌های منظر فرهنگی است.

مفاهیم پژوهش: منظر فرهنگی و فضای جمعی

منظر فرهنگی عبارتی است که از اوایل قرن بیستم در حوزه مطالعات محیطی ظهور کرد. در ابتدا، این عبارت محصول تعامل میان انسان و طبیعت بود: "منظر فرهنگی از اثرگذاری یک گروه فرهنگی بر منظر طبیعی حکایت دارد" (Sauer, 1925). در ۱۹۷۲ و سپس ۲۰۰۸، یونسکو منظر فرهنگی را این‌گونه تعریف کرد:

مقدمه | خیابان ولیعصر به عنوان شاهراه شمالی-جنوبی تهران، پذیرای شمار بالایی از فعالیت‌ها و کارکردها نظیر محورها و مرکزیت‌های تجاری یا تمرکز نقاط فرهنگی و تفرجی است. آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته، بررسی منظر شهری خیابان ولیعصر در بخش‌هایی از آن است که نقش گذرگاهی خیابان با جریان زندگی اجتماعی روزمره گره می‌خورد. با بررسی محدوده چهارراه ولیعصر، بوستان ساعی و باغ فردوس به عنوان سه محدوده‌ای که در آنها خیابان در مجاورت فضایی عمومی قرار می‌گیرد، ویژگی‌ها و تحولات منظر شهری بررسی خواهد شد. نوشتار حاضر پژوهشی پدیدارشناسانه است که در سه مرحله به راستی‌آزمایی فرضیه می‌پردازد:

۱. مطالعه نظری: انطباق شاخص‌های فضای جمعی با شناسه‌های منظر فرهنگی
۲. مطالعه میدانی: تحلیل تصویری سه نمونه از قلمروهای فضای جمعی در قالب شناسه‌های منظر



منظر شهری خیابان ولیعصر به عنوان شاهراه عبوری و فعالیت تهران، در نقاطی شاخص تغییر ماهیت داده و شناسه‌های منظر فرهنگی را دارا می‌شود. بستراین رویداد، تلاقی جنبه عبوری خیابان با جنبه فضای جمعی آن ارزیابی شده است. بسته به میزان پیوند خیابان با فضای جمعی براساس سه معیار رابطه مندی، هویت مندی و تاریخ مندی، کیفیت منظر فرهنگی تولید شده و به دنبال آن، فضای جمعی در سه نمونه مورد «بررسی»، متغیر خواهد بود.

- معیار هویت مندی با شاخص‌های ویژگی‌های طبیعی - تداوم در زمان
- معیار تاریخ مندی با شاخص‌های سبک معماری - خاطره
- معیار رابطه مندی با شاخص‌های یکپارچگی و سیالیت - اختلاط فعالیت‌ها

تحلیل نمونه‌ها

مکان‌یابی هر سه نمونه در لبه خیابان ولیعصر است. گروه‌های اجتماعی استفاده‌کننده هر محدوده شامل اختلاطی از جامعه روشن‌فکر و عموم مردمی است که به دنبال تفریح هستند؛ همچنین هر سه فضا دارای سابقه تاریخی قوی. چه از لحاظ قدمت کالبدی، چه از لحاظ قدمت استفاده از فضا و حضور در آن در ذهن شهروندان تهرانی هستند.

جمع‌بندی

براساس جداول سنجش فضای جمعی، تفاوت بارز سه نمونه مورد مطالعه در معیار «رابطه مندی» است؛ جایی که فضای عمومی با خود خیابان پیوند می‌خورد. از آنجا که جامعه استفاده‌کننده در فضاهایی که آزادی عمل به او بدهد، احساس مالکیت و تعلق به فضا دارد این حس نه تنها موجب برقراری ارتباط بصری و فیزیکی بلکه موجب ارتباط ذهنی کاربر با فضا است. لذا به دلیل ارتباط بی‌مرز فضای عمومی با خیابان در چهارراه ولیعصر، این فضا نسبت به دو نمونه دیگر فضای جمعی قوی‌تریست (تصویر ۲). در بوستان ساعی، تمایز فیزیکی از خیابان سبب می‌شود این لکه سبز، هرچند محسوس و تأثیرگذار، نتواند محل مکث‌های تصادفی باشد. لذا بوستان ساعی فضایی نیست که عابرین تصمیم به ورود به آن گرفته و در آن توقف کنند، بلکه با برنامه‌ریزی و تصمیم قبلی و در شرایط ویژه به آن می‌آیند (آخر هفته و ۱۳ به‌در) و شیوه استفاده از فضا به جامعه استفاده‌کننده تحمیل می‌شود. در محدوده باغ فردوس نیز دسترسی صرفاً سواره سبب می‌شود گروه‌های عابر به این فضاها به چشم محل بالقوه مکث ننگرند، بلکه تنها آن را بخشی از کالبد خیابان به شمار آورند. حال آنکه قرارگیری چهارراه ولیعصر در گره ترافیکی ولیعصر-انقلاب، مسیرهای سواره، اتوبوس‌رو، پیاده‌رو و گشایش‌های لبه خیابان از یک سو موجب جذب جامعه عظیم استفاده‌کننده می‌شود و از سوی دیگر پراکندگی نقاط جذاب (خوراکی‌فروشی، میدان‌گاه ورودی تئاتر، ایستگاه تاکسی‌های خطی، ایستگاه مترو و اتوبوس) در جای‌جای محدوده شرایط انتقال بی‌وقفه افراد از نقطه‌ای به نقطه دیگر را سهولت می‌بخشد. این سیالیت حداکثری، احساس آزادی انتخاب و مالکیت فضا را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

تبدیل به فضای تفریحی کرد و باعث شد مردم در کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف برای خود ویلا و خانه بسازند. تغییر نام این خیابان از پهلوی به مصدق و از مصدق به ولیعصر در طول تحولات سیاسی ایران، حاکی از اهمیت آن نزد مدیریت شهری است؛ به عبارتی، برجسته‌ترین نگاه ایدئولوژیک هر حکومت نام این خیابان بوده است.

خیابان ولیعصر

در مواجهه با فضای جمعی

"ولیعصر" از مهم‌ترین فضاهای شهری تهران طی قرن چهاردهم شمسی است که ثابت می‌کند "خیابان" صرفاً فضای فیزیکی نیست و تنها به صحنه کشفیات ذهنی مردم خلاصه نمی‌شود. همان‌طور که خیابان مانند تمامی واقعیت‌های فرهنگی به طور مساوی به آگاهی و مادیت وابسته است (Larsen, 1997: 12)، ولیعصر نیز ابعادی پویا و پیچیده دارد. تمرکز فعالیت‌ها در قالب راسته‌های تجاری-خدماتی در طرفین خیابان به خصوص در تقاطع با گره‌هایی چون تجریش، ونک، ولیعصر و راه‌آهن در ذهن مخاطب، منظر ویژه به وجود می‌آورد که با پیوستگی درخت‌کاری، ارزش آن افزایش پیدا می‌کند (تصویر ۱). در مواجهه با ساختمان راه‌آهن، برج‌های سه‌گانه اسکان، بازار صفویه، بوستان ساعی، پارک ملت، مجموعه باغ فردوس، تئاتر شهر و سینما استقلال، به دلیل تعامل ایجاد شده میان افراد، فضاهایی عمومی در خیابان پدید آمده که هریک قلمرویی هویتی را برای خود ایجاد کرده است.

نخستین شاخص فضای عمومی، قابل دسترس بودن آن برای عموم است. فضای عمومی یک آرمان شهر کارکردی است و مشارکت فعال در زندگی شهری دارد (Lévy & Lussault, 2004: 372-374). پایه فضای عمومی «فرد»‌ها هستند و امکان حضور هریک از آنها و عدالت در استفاده از امکانات فضا است که رتبه موفقیت فضای عمومی را رقم می‌زند. در این میان محدوده چهارراه ولیعصر شامل تئاتر شهر و پارک دانشجو، محدوده باغ فردوس شامل موزه سینما و کافه‌گالری و محدوده بوستان ساعی از جمله مهم‌ترین این قلمروها هستند که امکان تعامل اجتماعی افراد را فراهم می‌آورد؛ لذا نقطه قوت آنها نسبت به سایر محدوده‌ها، فضای آنهاست و نه کالبد. هریک از این سه محدوده می‌توانند ظرفیت تبدیل شدن به فضای جمعی را دارا باشند. این سه نمونه مبتنی بر تعریف «مارک اوژه» از فضای جمعی و معیارهای آن با شاخص‌های زیر در سه رتبه (قوی، متوسط و ضعیف) قابل سنجش هستند:

۳- تاریخی: که فضا را ملزم به پایداری در زمان می‌کند (Ibid: 71).

از این سه خصوصیت، آشکال فضایی‌ای پدید می‌آید که می‌تواند اسکیس اولیه فضای جمعی باشد. فضای جمعی مملو از عناصری است که مستقیماً کارکردی نیستند و هر فرد، این حس مشترک را که این فضا پیش از او وجود داشته و پس از او نیز دوام خواهد داشت (تداوم نسل‌ها) در مورد آن دارد.

آنچه از بررسی دو مفهوم نظری «منظر فرهنگی» و «فضای جمعی» در مطالعات شهری معاصر برمی‌آید، انطباق شاخص‌های فضای جمعی با شناسه‌های تحلیل منظر فرهنگی است؛ به عبارتی منظر فضای جمعی، منظر فرهنگی است.

خیابان ولیعصر در گذر زمان

احداث جاده مخصوص پهلوی از ۱۳۰۰ ه.ش، زمانی که رضاشاه وزیر جنگ بود آغاز شد (www.tejarat.don.com -عبدالله مستوفی) انگیزه ساخت این خیابان را تصمیم رضاخان برای پیوند کاخ سعدآباد و کاخ مرمری‌داند. براساس کتاب «شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه»، در حاشیه این خیابان، هر دو متریک چنار و بین هر دو چنار یک بوته گل سرخ کاشتند. در ۱۳۱۹ رضاشاه دستور داد پای چنارها را به عمق ۱/۵ متر گودبرداری کنند. در ۱۳۰۷ خیابان پهلوی بالا به وسیله بلدیة تهران سنگفرش شد (رشیدی، ۱۳۹۱). در سال‌های ۱۳۲۶، ۱۳۲۵ دولت قوام تصمیم گرفت برای تلطیف هوا، ضلع راست خیابان پهلوی بین سه‌راه عباس‌آباد تا میدان ونک را به جنگل مصنوعی بزرگی تبدیل کند. مرحوم «کریم ساعی» از استادان کشاورزی و متخصص جنگل‌کاری. اجرای این پروژه مهم را عهده‌دار شد. بدین ترتیب، خیابان پهلوی در طول سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۵ به شکل امروزی درآمد. احداث چهارراه ونک، تأسیسات تلویزیون دولتی ایران، چندین هزار فروشگاه و ده‌ها رستوران و بزرگ‌ترین کافه‌های تهران که شکل فرنگی داشتند این خیابان را

جدول ۱. جدول تحلیل منظرین قلمرو چهارراه ولیعصر، تئاتر شهر و پارک دانشجو. مأخذ: نگارندگان.

Table1. Landscape Analysis Table of Valiasr Crossroad, City Theater and Daneshjou Park, Source: Authors.

معیار	شاخص	توضیحات	امتیاز
هویت مندی	ویژگی های طبیعی	چنارهای تاریخی / دید به منظر کوه های شمال شهر در محور باز خیابان	قوی
	تداوم در زمان	کاراکتر روشن فکری و هنری : کافه نشینی و نمایش تئاتر / گره ترافیکی .نقطه تفرجی	قوی
تاریخ مندی	سبک معماری	طرح معماری مدرن (پهلوی دوم) ساختمان تئاتر شهر / طرح منظر پارک دانشجو	قوی
	خاطره	"از پیش آشنا" بودن فضا به مثابه نقطه عطف هنری .تفرجی	قوی
رابطه مندی	یکپارچگی و سیالیت	نفوذ بی مرز خیابان به فضاهای عمومی و سهولت جابه جایی / دسترسی حداکثری	قوی
	اختلاط فعالیت ها	فرهنگی .هنری : تئاتر / تفرجی : پارک / مذهبی : مسجد در حال ساخت / خدماتی: مترو، BRT / تجاری	قوی

جدول ۲. جدول تحلیل منظرین قلمرو بوستان ساعی. مأخذ: نگارندگان.

Table2. Landscape Analysis Table of Saei Garden Territory, Source: Authors.

معیار	شاخص	توضیحات	امتیاز
هویت مندی	ویژگی های طبیعی	توپوگرافی محدوده و مشهود بودن آن در منظر بوستان (شیب و پلکانی بودن)	قوی
	تداوم در زمان	اولین نمونه هدف تولید بوستان جنگلی در شهر (۱۳۲۴)	قوی
تاریخ مندی	سبک معماری	طرح منظر شیب دار / فضاسازی نمادین و بعضاً اسطوره ای (سروستان)	قوی
	خاطره	"از پیش آشنا" بودن فضا به مثابه تفرجگاه سبز شهری	قوی
رابطه مندی	یکپارچگی و سیالیت	برش خیابان و محدوده سبز ساعی توسط جداول پیاده رو و جوی عریض .دسترسی دشوار	ضعیف
	اختلاط فعالیت ها	کاربری صرفاً تفرجگاهی	ضعیف

جدول ۳. جدول تحلیل منظرین قلمرو باغ فردوس و موزه سینما. مأخذ: نگارندگان.

Table3. Landscape Analysis Table of Ferdows Garden and Cinema Museum, Source: Authors.

معیار	شاخص	توضیحات	امتیاز
هویت مندی	ویژگی های طبیعی	چنارهای تاریخی / آب روان در جوی ها	قوی
	تداوم در زمان	محل گردهم آیی های هنری .ادبی و کانون روشن فکری	قوی
تاریخ مندی	سبک معماری	معماری منظر نمادین باغ فردوس یادآور باغ ایرانی / سبک معماری قاجاری موزه سینما	قوی
	خاطره	نقطه فرهنگی .هنری .نمایشگاهی از ۱۳۵۰ تا امروز	قوی
رابطه مندی	یکپارچگی و سیالیت	نفوذ [صرفاً] بصری خیابان در محدوده باغ فردوس با یکپارچگی کف سازی / دسترسی نسبتاً دشوار	متوسط
	اختلاط فعالیت ها	تفرجی : باغ و کافه گالری / هنری: موزه و سینما / فرهنگی : کتاب خانه (در مجاورت)	متوسط

تصویر
Pic1

تصویر ۱: پیوستگی چنارهای قدیمی منظری ویژه و خاطره‌انگیز در ذهن مخاطب به وجود می‌آورد که در برخورد با گره‌های سبز، هویت مندی و کیفیت آن دو چندان می‌شود. مأخذ: آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۸۹.

Pic1: The continuity of old trees along the Valiasr Street creates a Special and memorable perspective in the minds of audiences that in confronting to green nodes it's identity and quality increase.

Source: Archive of NAZAR Research Center, 2010

نتیجه‌گیری | در پیوند حداکثری خیابان و فضای عمومی، نوع جدیدی از فضا پدید می‌آید که کیفیتی افزون بر قبل دارد و فضای جمعی است. از آنجا که فضای جمعی عرضه‌کننده شناسه‌های منظر فرهنگی و خالق "واحدی انسانی" است، هرچه این اختلاط غیر قابل تمایزتر باشد، واحد انسانی منتج از آن نیز یکدست‌تر خواهد بود. اگرچه استفاده‌کنندگان این فضا "فرد"ها هستند اما جایگاهشان دیگر فردی نبوده و یک "کل" می‌شوند و هویتی جدید پیدا می‌کنند. "کل" حاضر در فضای جمعی علاوه بر آنکه می‌تواند تمامی خصوصیات فضای عمومی (در دسترس بودن، نفوذپذیری حداکثری، پایداری در زمان، کارکردی بودن و همگانی بودن) را داشته باشد، دارای وحدتی ذهنی است که موجب می‌شود افراد حاضر در آن در حسی که به فضا دارند اشتراک داشته باشند. این "تجربه همگانی" است که در بطن منظر شهری، یک کل انسانی تشکیل داده و آن را به منظر فرهنگی ارتقاء می‌دهد. این جهش نسبی بوده و کیفیت آن بسته به "کل‌های انسانی" مشترک در فضای جمعی است.

پی‌نوشت

۱. باید توجه داشت فضای عمومی (public space)، فضای شهری (urban space) و فضای جمعی (social space) سه گونه متفاوت استفاده مخاطب از فضا است که متأسفانه در ایران مفاهیم آن با تعاریف غیر علمی مغشوش شده است.
۲. نخستین مناظر فرهنگی ثبت شده پارک ملی تونگاریرو در نیوزیلند (Tongariro national park)، سایت مقدس مائوریس‌ها (۱۹۹۳) به مثابه منظر فرهنگی اجتماعی بود. پس از آن پارک ملی اولوروکاتاجوتا (Uluru-Kata Tjuta national park) در استرالیا (۱۹۹۴) و سپس شالیزارهای فیلیپین (۱۹۹۵) بوده‌اند. این سه نمونه، مبین اهمیت پیوند جوامع محلی با سرزمین مقدس و هویت مند خود و
۳. تشکیل گونه‌های سه‌گانه منظر فرهنگی شده‌اند (Roué, 2011: 16)
۴. دونا دیو میدان جامع الفنا شهر مراکش یا کاخ کرملین کوچک شهر غازان (پایتخت تاتارستان) را از این دسته می‌داند.
۵. Social space
۶. Non-lieux / lieu anthropologique
۷. نحوه انتخاب شاخص‌ها و معیارها برگرفته از رساله دکتری مریم‌السادات منصور (در حال انجام) در دانشگاه پاریس غرب با موضوع "فضاهای دیگرگون تهران: ارزیابی فضاهای عمومی براساس نموده‌های استفاده جامعه از فضا در تهران" است.

فهرست منابع

- سرگذشت یک خیابان. (۱۳۹۲). هفته‌نامه تجارت، ۴۳. قابل دسترس در: www.tejarat.donya-e-egtesad.com (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۷/۲).
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار.
- رشیدی، طاهره. (۱۳۹۱). طولانی‌ترین خیابان خاورمیانه، قابل دسترس در www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=226879 (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۳/۸/۲۷).

Qualitative Enhancement of Tehran Urban Landscape at the Intersection of Street and Public Spaces

Toward Cultural Landscape in the City?

Maryam al-sadat Mansouri, Ph.D Candidate in Landscape, University of Paris10, France. maryamansouri@gmail.com

Mohammad Atashinbar, Postdoctoral researcher in Islamic city's Landscape, EPHE, Paris, France. babak.atashinbar@gmail.com

Abstract | Urban Landscape in a common scientific meaning defines a quality that comes from the reciprocal relationship between the users and the city. All physical components of this quality are present elements in the city. Streets and public spaces are among these components that can be said in comparison to others, have a greater role in the perception of users owing to multiplicity of social events in which they occur. In addition to the distinguished impact of each element on the city, there are areas created from the fusion of street with public space. This new space is in possession of an improved landscape, resulting from the quality overlap of these two elements. Such landscape can be an identifier of cultural landscape. Vali-Asr is a historic street in Tehran,

dating back to the Qajar dynasty. It was completed during the first Pahlavi and played a key role in the spatial organization of Tehran in second Pahlavi era. After the Islamic Revolution, even the merely physical consideration of Tehran's urban management couldn't detract from its main role in the spatial organization since this longest street of Tehran, in some parts, owns some identifiers whose values are improved over time by the adaptation of organic public spaces activities and street architecture. This article analyses Tehran's Vali-Asr Avenue landscape in the intersection of street and public space in order to explore its evaluations.

Keywords | Street, Communal space, Public space, Cultural landscape, Vali-Asr.

Reference list

- Auge, M. (1992). *Non-Places. Introduction to an Anthropology of Supermodernity*. Paris: Seuil.
- Donnadieu, P. (2009). «Glossary of géomédiation landscape» in *Landscape Project*. Available from: www.projetdepaysage.fr (Accessed 2 October 2014).
- Jole, M. (2000-2001-2002). *Public spaces and urban cultures*. Proceedings of the seminar of IPHC Ministry of Equipment Transport Housing Tourism and the Sea. Paris : CERTU.
- Levy, J. & Lussault, M. (2003). *Dictionary of geography and space of the societies*. Belin: St-Just-The-Pendue.
- Mostofi, A. (1964). *Sharh-e zendegani-ye man, ya, tarikh-e ejtemai va edari-ye dore-ye ghajariye [The biography of me, or, The Social and administrative History of the Qajar Period]*. Tehran: Zavar.
- Rashidi, T. (2011). *Toolanitarin khiaban-e khavar-e mianeh [The Longest Street in middle east]*. Available from: <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=226879> (Accessed 18 November 2014).
- Roue, M. (2011). *Cultural and Natural Landscapes: changes and conservation. Final Report, Research Programme of «Landscapes and Sustainable Development»*. Available from: http://paysage-developpement-durable.fr/IMG/pdf/roue_rapport_final.pdf (Accessed 11 November 2014).
- Sargozasht-e yek khiaban [The narrative of a street]. (2013). *Haftehname-ye- Tejarat*. Available from: www.tejarat.donya-e-eqtasad.com (accessed 28 September 2014)
- Sauer, C. (1925). The morphology of landscape. *Geography*, 2(2): 19-53.
- UNESCO. (1972). *Convention concerning the Protection of World Cultural and Natural Heritage*, Available from: <http://whc.unesco.org/archive/convention-en.pdf> (Accessed 10 November 2014).
- UNESCO. (2008). *Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention*, Available from: <http://whc.unesco.org/archive/opguide08-en.pdf>. (Accessed 9 november 2014).

